



تاریخ تشیع

(رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی)

دکتر فاطمه جعفرنیا

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
بررسی منابع	سیزده
فصل اول. کلیات	۱
هدف کلی	۱
هدف‌های یادگیری	۱
۱-۱ معنای لغوی و اصطلاحی شیعه	۱
۲-۱ اصطلاح رافضی، امامیه و اثنی عشریه	۲
۳-۱ اصول و مبانی اعتقادی و سیاسی شیعه	۳
۴-۱ ظهور شیعه	۴
۴-۱-۱ ظهور تاریخی تشیع	۴
۴-۲-۱ ظهور اعتقادی شیعه	۶
۵-۱ سقیفه، سرآغاز اختلافات	۷
۶-۱ حضرت زهرا (س) و سقیفه	۹
۷-۱ امام علی (ع) و سقیفه	۱۱
۸-۱ تشیع در دوره خلفای سه‌گانه	۱۱
۸-۱-۱ امام علی (ع) و شیخین (۱۱-۲۴ق)	۱۱
۸-۲-۱ امام علی (ع) و عثمان (۲۴-۳۵ق)	۱۲
خلاصه فصل اول	۱۴
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول	۱۴
فصل دوم. تشیع از دوره خلافت امام علی (ع) تا دوره امام سجاد (ع)	۱۷
هدف کلی	۱۷

۱۷.....	هدف‌های یادگیری.....
۱۸.....	۱-۲ تشیع در دوره امام علی (ع).....
۱۸.....	۱-۱-۲ زندگینامه امام علی (ع).....
۱۹.....	۲-۱-۲ انتخاب امام و بیعت مردم.....
۲۰.....	۳-۱-۲ موانع و مشکلات حکومت علی (ع).....
۲۱.....	۴-۱-۲ جبهه‌بندی نیروهای سیاسی-اجتماعی.....
۲۵.....	۵-۱-۲ غارات.....
۲۶.....	۶-۱-۲ جریان‌های فکری و سیاسی.....
۲۸.....	۷-۱-۲ نقش کوفه در حوادث قرن اول هجری.....
۳۰.....	۲-۲ تشیع در دوره امام حسن (ع).....
۳۰.....	۱-۲-۲ زندگینامه امام حسن (ع).....
۳۱.....	۲-۲-۲ امام حسن (ع) از آغاز خلافت تا رویارویی با معاویه.....
۳۲.....	۳-۲-۲ رویارویی سپاه عراق و شام.....
۳۳.....	۴-۲-۲ صلح با معاویه و دلایل آن.....
۳۵.....	۵-۲-۲ شبهات مطرح‌شده درباره صلح امام حسن (ع).....
۳۶.....	۶-۲-۲ پیامدهای صلح امام حسن (ع).....
۳۷.....	۳-۲ تشیع در دوره امام حسین (ع).....
۳۷.....	۱-۳-۲ زندگینامه امام حسین (ع).....
۳۸.....	۲-۳-۲ مواضع امام حسین (ع) در دوره معاویه.....
۴۰.....	۳-۳-۲ موانع قیام امام حسین (ع) در دوران معاویه.....
۴۱.....	۴-۳-۲ مرگ معاویه و مخالفت امام حسین (ع) با خلافت یزید.....
۴۱.....	۵-۳-۲ نامه‌های کوفیان.....
۴۲.....	۶-۳-۲ اعزام مسلم بن عقیل به کوفه.....
۴۲.....	۷-۳-۲ حرکت امام حسین (ع) به سمت عراق.....
۴۴.....	۸-۳-۲ مردم کوفه و رخداد کربلا.....
۴۴.....	۹-۳-۲ رویارویی با سپاه عراق و شهادت امام حسین (ع).....
۴۵.....	۱۰-۳-۲ ارزیابی سفر امام حسین (ع) به عراق.....
۴۶.....	۴-۲ تشیع در دوره امام سجاد (ع).....
۴۶.....	۱-۴-۲ زندگینامه امام سجاد (ع).....
۴۷.....	۲-۴-۲ اوضاع سیاسی-اجتماعی عصر امام سجاد (ع).....
۴۸.....	۳-۴-۲ امام سجاد (ع) و شیعیان.....
۴۹.....	۴-۴-۲ امام سجاد (ع) و قیام‌ها.....
۵۲.....	۵-۴-۲ ابعاد فعالیت و مبارزات امام سجاد (ع).....
۵۳.....	خلاصه فصل دوم.....
۵۵.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....
۵۷.....	فصل سوم. تشیع از دوره امام باقر (ع) تا دوره امام رضا (ع).....
۵۷.....	هدف کلی.....
۵۷.....	هدف‌های یادگیری.....

۵۷.....	۱-۳ تشیع در دوره امام باقر (ع).....
۵۷.....	۱-۱-۳ زندگینامه امام باقر (ع).....
۵۸.....	۲-۱-۳ اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام باقر (ع).....
۵۸.....	۳-۱-۳ فعالیت‌های فرهنگی امام باقر (ع).....
۶۱.....	۴-۱-۳ امام باقر (ع) درگیر اختلافات فقهی بین فرق اسلامی.....
۶۲.....	۵-۱-۳ مبارزه امام باقر (ع) با اسرائیلیات.....
۶۳.....	۶-۱-۳ میراث فرهنگی امام باقر (ع).....
۶۳.....	۷-۱-۳ فعالیت‌های سیاسی امام باقر (ع).....
۶۵.....	۲-۳ تشیع در دوره امام صادق (ع).....
۶۵.....	۱-۲-۳ زندگینامه امام صادق (ع).....
۶۶.....	۲-۲-۳ اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام صادق (ع).....
۶۷.....	۳-۲-۳ فعالیت‌های فرهنگی امام صادق (ع).....
۶۹.....	۴-۲-۳ امام صادق (ع) و رخداد‌های سیاسی.....
۷۳.....	۳-۳ تشیع در دوره امام کاظم (ع).....
۷۳.....	۱-۳-۳ زندگینامه امام کاظم (ع).....
۷۳.....	۲-۳-۳ امام کاظم (ع) و حاکمان.....
۷۶.....	۳-۳-۳ امام کاظم (ع)؛ قیام‌ها و فرقه‌ها.....
۷۷.....	۴-۳-۳ امام کاظم (ع) و مباحث فکری و کلامی.....
۷۹.....	۴-۳ تشیع در دوره امام رضا (ع).....
۷۹.....	۱-۴-۳ زندگینامه امام رضا (ع).....
۸۰.....	۲-۴-۳ امام رضا (ع) و حاکمان.....
۸۱.....	۳-۴-۳ ولایتعهدی امام رضا (ع).....
۸۴.....	۴-۴-۳ فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام رضا (ع).....
۸۴.....	۵-۴-۳ امام رضا (ع) و قیام‌ها.....
۸۶.....	۶-۴-۳ امام رضا (ع) و ایران.....
۸۸.....	خلاصه فصل سوم.....
۸۹.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم.....
۹۱.....	فصل چهارم. تشیع از دوره امام جواد (ع) تا عصر غیبت.....
۹۱.....	هدف کلی.....
۹۱.....	هدف‌های یادگیری.....
۹۲.....	۱-۴ تشیع در دوره امام جواد (ع).....
۹۲.....	۱-۱-۴ زندگینامه امام جواد (ع).....
۹۴.....	۲-۱-۴ امام جواد (ع) و حاکمان.....
۹۵.....	۳-۱-۴ فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام جواد (ع).....
۹۶.....	۴-۱-۴ برخورد با فرقه‌های منحرف.....
۹۷.....	۵-۱-۴ ارتباط شیعیان با امام جواد (ع).....
۹۸.....	۲-۴ تشیع در دوره امام هادی (ع).....
۹۸.....	۱-۲-۴ زندگینامه امام هادی (ع).....

۹۸.....	۲-۲-۴ سیاست متوکل در برابر امام هادی (ع).....
۹۹.....	۳-۲-۴ احضار امام هادی (ع) از مدینه به سامرا.....
۱۰۰.....	۴-۲-۴ فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام هادی (ع).....
۱۰۱.....	۵-۲-۴ فعالیت‌های سیاسی امام هادی (ع).....
۱۰۳.....	۳-۴ تشیع در دوره امام حسن عسکری (ع).....
۱۰۳.....	۱-۳-۴ زندگینامه امام حسن عسکری (ع).....
۱۰۴.....	۲-۳-۴ امام حسن عسکری (ع) در سامرا.....
۱۰۴.....	۳-۳-۴ امام حسن عسکری (ع) و حاکمان.....
۱۰۵.....	۴-۳-۴ فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام حسن عسکری (ع).....
۱۰۶.....	۵-۳-۴ شاگردان امام حسن عسکری (ع) و حفظ میراث فرهنگی شیعه.....
۱۰۷.....	۶-۳-۴ امام حسن عسکری (ع) و ارتباط با شیعیان.....
۱۰۸.....	۷-۳-۴ قیام‌ها و شورش‌های عصر امام حسن عسکری (ع).....
۱۰۹.....	۴-۴ تشیع در دوره غیبت.....
۱۰۹.....	۱-۴-۴ زندگینامه حضرت مهدی (ع).....
۱۱۰.....	۲-۴-۴ زمینه‌سازی غیبت توسط پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع).....
۱۱۰.....	۳-۴-۴ تاریخ و علل غیبت امام زمان (ع).....
۱۱۱.....	۴-۴-۴ نواب خاص حضرت مهدی (ع).....
۱۱۳.....	۵-۴-۴ اقدامات نایبان خاص امام زمان (ع).....
۱۱۶.....	۶-۴-۴ غیبت کبرا و نایبان عام امام زمان (ع).....
۱۱۶.....	خلاصه فصل چهارم.....
۱۱۷.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....
۱۲۱.....	فصل پنجم. سادات و خاندان‌های شیعی.....
۱۲۱.....	هدف کلی.....
۱۲۱.....	هدف‌های یادگیری.....
۱۲۱.....	۱-۵ سادات.....
۱۲۲.....	۱-۱-۵ سادات مکه و مدینه.....
۱۲۵.....	۲-۱-۵ سادات قم.....
۱۲۶.....	۳-۱-۵ سادات ری.....
۱۲۸.....	۴-۱-۵ سادات بی‌هق.....
۱۲۹.....	۲-۵ خاندان‌های شیعی.....
۱۳۰.....	۱-۲-۵ خاندان نوبخت.....
۱۳۳.....	۲-۲-۵ خاندان اشعری.....
۱۳۶.....	۳-۲-۵ خاندان بابویه.....
۱۳۹.....	۴-۲-۵ خاندان اعین.....
۱۴۲.....	۵-۲-۵ خاندان یقطین.....
۱۴۴.....	خلاصه فصل پنجم.....
۱۴۶.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم.....

فصل ششم. دولت‌های شیعی.....	۱۴۹
هدف کلی.....	۱۴۹
هدف‌های یادگیری.....	۱۴۹
۱-۶ دولت‌های شیعی در ایران.....	۱۴۹
۱-۱-۶ علویان طبرستان (زیدیه).....	۱۴۹
۱-۲-۶ آل بویه.....	۱۵۱
۱-۳-۶ اسماعیلیه نزاری.....	۱۵۸
۱-۴-۶ سریداران.....	۱۶۱
۱-۵-۶ مرعشیان.....	۱۶۳
۱-۶-۶ آل کیا.....	۱۶۵
۱-۷-۶ صفویه.....	۱۶۸
۲-۶ دولت‌های شیعی در شمال آفریقا، مصر و شام.....	۱۷۵
۱-۲-۶ ادریسیان.....	۱۷۶
۲-۲-۶ فاطمیان.....	۱۷۸
۳-۶ دولت‌های شیعی در عراق و جزیره.....	۱۸۳
۱-۳-۶ حمدانیان.....	۱۸۳
۲-۳-۶ بنی زید یا مزیدیان.....	۱۸۸
۴-۶ دولت‌های شیعی در شبه‌جزیره عربستان.....	۱۹۰
۱-۴-۶ قرمطیان.....	۱۹۰
۲-۴-۶ امامان زیدی یمن.....	۱۹۲
خلاصه فصل ششم.....	۱۹۵
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم.....	۱۹۹
فصل هفتم. حیات علمی و فرهنگی شیعه.....	۲۰۳
هدف کلی.....	۲۰۳
هدف‌های یادگیری.....	۲۰۳
۱-۷ نقش ائمه (ع) در حیات علمی و فرهنگی شیعه.....	۲۰۳
۱-۱-۷ روش‌های آموزشی ائمه (ع).....	۲۰۶
۲-۱-۷ نقش ائمه (ع) در تعلیم و تربیت.....	۲۱۱
۲-۷ سهم حوزه‌های شیعی در حیات علمی و فرهنگی شیعه.....	۲۱۴
۱-۲-۷ حوزه مدینه.....	۲۱۴
۲-۲-۷ حوزه عراق.....	۲۱۵
۳-۲-۷ حوزه ایران.....	۲۱۷
۳-۷ سهم دانشمندان شیعی در حیات علمی و فرهنگی شیعه.....	۲۱۹
خلاصه فصل هفتم.....	۲۲۱
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم.....	۲۲۲
پاسخ خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای.....	۲۲۵
کتابنامه.....	۲۲۷

پیشگفتار

در اینکه شیعه از چه زمانی تحت این عنوان شکل یافت، نظرات مختلفی وجود دارد. جمعی مبدأ پیدایش شیعه را تا زمان حیات پیامبر (ص) پیش برده‌اند. البته به نظر می‌رسد که باید مبدأ پیدایش و تشکیل رسمی آن را در روز سقیفه و ماجراهای پس از آن جست‌وجو کرد. در دوره خلافت بیست‌وپنج ساله سه خلیفه نخست، شیعیان در عین حال که برای حکومت، مشروعیتی قائل نبودند، به دلیل حفظ مصالح اسلام و مسلمین و هم به خاطر قلت نفرات، مخالفتی نمی‌کردند. دوره کوتاه پنج‌ساله خلافت علی (ع) در تعیین مسیر شیعه، بیشترین نقش را داشت؛ چرا که در این دوره، مسلمین و مخصوصاً مدعیان تشیع از صافی‌های مختلفی که مهم‌ترین آن جنگ‌های جمل، صفین و نهروان است، گذشتند. پس از علی (ع)، حاکمیت، رسماً و عملاً به خاندان بنی‌امیه منتقل شده بود. معاویه پس از به قدرت رسیدن و علی‌رغم پیمانی که با حسن بن علی (ع) بسته بود، خلافت را موروثی و تبدیل به سلطنت کرد و جو تبلیغاتی گسترده‌ای را تدارک دید. از سال چهارم هجری تا شهادت حسین بن علی (ع) در سال ۶۱ هجری، شیعیان دستخوش نوعی بهت، سردرگمی، نگرانی و تردید بودند. قیام کربلا و شهادت امام حسین (ع) سرمنشاء بسیاری از تحولات بعدی شد. پس از شهادت امام حسین (ع) یک‌بار دیگر، شیعه تحرک و پویایی خود را بازیافت.

پس از حادثه کربلا، امامان شیعه هر یک با توجه به اوضاع سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی، خط‌مشی سیاسی و فرهنگی در پیش گرفتند. در دوره غیبت کبرا که جامعه از حضور مستقیم امام محروم ماند، علما و دانشمندان شیعه نقش به‌سزایی در تبیین دیدگاه‌های شیعه در حوزه‌های مختلف داشتند.

ظهور قیام‌های شیعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت‌های شیعی در شرق و غرب جهان اسلام شد و با حمایت‌های آنان، شیعه توانست، اندیشه‌ها و شعارهای سیاسی، فقهی و اعتقادی خود را به منصه ظهور برساند.

مهاجرت سادات به مناطق مختلف اسلامی و حضور خاندان‌های شیعی در طی دوره‌های مختلف، زمینه‌ساز گسترش و رواج اندیشه‌های شیعی شد. در بعد علمی و فرهنگی نیز ائمه و شاگردان ایشان به سهم خود در کنار دیگر مسلمانان، تعاملی سازنده داشته و به‌خصوص در بسط و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی نقشی بسزا داشته‌اند.

درس تاریخ تشیع به‌عنوان ۲ واحد درسی رشته ادیان، به‌منظور آشنایی دانشجویان با تحولات تاریخ شیعه از اهمیت برخوردار است. نکته مهم در خصوص این کتاب آن است که باید ریشه‌های تاریخی و اعتقادی پیدایش تشیع، وضعیت تشیع در دوره خلفای ثلاثه، زندگانی تحلیلی ائمه (ع)، تأسیس دولت‌های شیعی در تمام مناطق جهان اسلام بدون محدودیت زمانی، خاندان‌های شیعی، سادات و مهاجرت آنان به مناطق مختلف و حیات علمی و فرهنگی شیعه به‌تفصیل مورد توجه قرار می‌گرفت. ازاین‌رو، گستردگی مطالب و تلاش برای طرح همه مباحث به‌صورت اختصار از مشکلات تدوین این کتاب بوده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از اعضای شورای تدوین، زحمات ارزیاب، داور و ویراستار محترم و کارشناس محترم دفتر تدوین تقدیر و سپاسگزاری کنم.

فاطمه جعفرنیا

استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور

بررسی منابع

در این قسمت به تعدادی از آثار اندیشمندان شیعه اشاره می‌شود:

کتاب *وقعة صفین*، تألیف نصر بن مزاحم منقری از اوایل قرن سوم و کتاب *الغارات*، تألیف ابراهیم بن محمد ثقفی از همان قرن که به دست ما رسیده است. بخشی از کتاب‌های تاریخی شیعه، کتاب‌هایی است که با هدف ثبت معجزات امامان به منظور اثبات امامت آن‌ها نگاشته شده است. البته بخشی از زندگی امامان نیز در این آثار درج شده است. از قدیمی‌ترین این آثار، کتاب *دلائل‌الائمہ* از محمد بن مسعود عیاشی، عالم شیعی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم است که البته این کتاب بر جای نمانده است. کتاب *دلائل‌الامامہ* از محمد بن جریر طبری، معاصر شیخ طوسی بر جای مانده است. همچنین کتاب *الخرائج و الجرائح* از قطب‌الدین (م ۵۷۳) که به تفصیل از معجزات پیامبر (ص) و امامان (ع) سخن گفته است. کتاب دیگری در این زمینه با عنوان *الثاقب فی المناقب* از ابو جعفر محمد بن علی معروف به ابن حمزه (م ۵۵۲) است. این اثر نیز اخباری در معجزات انبیاء، رسول خدا (ص) و همچنین معجزات حضرت فاطمه (س) و سایر امامان آورده است.

بخشی دیگر از تألیفات شیعه، تألیفات کلامی شیعه است که به تناسب اهمیتی که بحث‌های مربوط به امامت در میان شیعه داشته، لزوماً به بحث از تاریخ پرداخته است (کتاب‌های کلامی - تاریخی). در بحث از امامت، بخشی از مطالب در اثبات ضرورت وجود امام به طریق عقلی است و بخشی دیگر، مباحثی تاریخی در اثبات وجود نصّ و دلیل عدم توجه دیگران به نصّ است. مشهورترین این آثار عبارت‌اند از: کتاب *الشافی* تألیف سیدمرتضی؛ کتاب *الجمل* تألیف شیخ مفید؛ کتاب *کشف‌الیقین* تألیف علامه حلی.

همچنین کتاب *النقض* تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی کتابی کلامی - تاریخی است که به زبان فارسی در قرن ششم در دفاع از شیعه نوشته شده است.

کتاب‌هایی که به بحث از شکل‌گیری فرق شیعی پرداخته، به نوعی حاوی بحث‌های کلامی - تاریخی است؛ کتاب *فرق‌الشیعه* تألیف حسن بن موسی نوبختی و *المقالات والفرق* تألیف سعد بن عبدالله اشعری از این نمونه هستند.

با توجه به ارتباط نزدیک حدیث و تاریخ، در میان آثار حدیثی شیعه همانند اهل سنت، موارد تاریخی فراوانی یافت می‌شود. کتاب *الكافی* تألیف محمد بن یعقوب کلینی، در بحث از امامت مطالبی تاریخی از زندگی امامان به دست می‌دهد. همچنین کتاب *بصائر الدرجات* تألیف محمد بن حسن صفار قمی؛ کتاب *عیون اخبار الرضا* (ع) تألیف محمد بن علی بن حسین بن بابویه شیخ صدوق و کتاب *علل الشرائع* از ابن بابویه شیخ صدوق از دیگر آثار تألیف شده در این زمینه است.

در زمینه تاریخ غیبت، سه کتاب بارزش برجای مانده که هر کدام بخش مهمی از تاریخ شیعه را در قرن سوم منعکس می‌کند. کتاب *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* تألیف ابن بابویه شیخ صدوق؛ کتاب *الغیبه* تألیف محمد بن حسن شیخ طوسی و کتاب *الغیبه* تألیف محمد بن ابراهیم نعمانی از مهم‌ترین آثار در این زمینه است.

کتاب‌های مناقب را نیز باید در شمار کتاب‌های حدیثی یاد کرد. از کهن‌ترین کتاب‌ها در این زمینه، کتاب *مناقب‌الامام امیرالمؤمنین* از محمد بن سلیمان کوفی قاضی است که در قرن سوم می‌زیسته است.

دانش رجال، یکی از شعب مهم تاریخ است. در شیعه نیز این دانش مورد توجه بوده و کتاب‌هایی درباره اصحاب امامان، مؤلفان و راویان اخبار شیعی نگاشته شده است. مهم‌ترین این کتاب‌ها؛ *اختیار معرفة الرجال* یا *رجال‌الکشی* است. کتاب *رجال‌النجاشی* صرف‌نظر از رجالی بودن و نیز اطلاعات کتاب‌شناسی آن، تاریخ فرهنگی شیعه است. کتاب‌های *الفهرست* شیخ طوسی و *رجال* شیخ طوسی و *رجال* علامه حلی از دیگر آثار در این زمینه است.

دسته‌ای دیگر از آثار شیعی اختصاصاً به شرح حال امامان شیعه پرداخته است. کهن‌ترین اثر در این زمینه کتاب *الارشاد فی معرفة حجج‌الله علی‌العباد* تألیف محمد بن محمد بن النعمان شیخ مفید است. کتاب *اعلام‌الوری* از فضل بن حسن طبرسی؛ *المناقب آل ابی‌طالب* (ع) تألیف محمد بن علی معروف به ابن شهر آشوب؛ *روضة‌الواعظین* تألیف فتال نیشابوری و کتاب *کشف‌الغمه فی معرفة‌الائمة* تألیف علی بن عیسی از دیگر آثار تألیف شده در زمینه تاریخ امامان شیعه است.

فصل اول

کلیّات

هدف کلی

آشنایی با اسباب و زمان ظهور تشیع، مواضع حضرت زهرا (س) و حضرت علی (ع) نسبت به سقیفه و عملکرد حضرت علی (ع) در دوره خلفای سه‌گانه.

هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل باید بتواند:

۱. معنای لغوی و اصطلاحی شیعه و مستندات قرآنی و روایی ظهور شیعه را تشریح کند.
۲. اسباب ظهور تاریخی و اعتقادی شیعه را ارزیابی کند.
۳. چگونگی رویداد سقیفه، حوادث قبل و بعد از آن را بررسی کند.
۴. مواضع حضرت زهرا (س) نسبت به جریان سقیفه را تحلیل کند.
۵. وضعیت تشیع در دوره خلفای سه‌گانه و مواضع و دیدگاه‌های حضرت علی (ع) را نسبت به جریان سقیفه و حکومت خلفای سه‌گانه ارزیابی کند.

۱-۱ معنای لغوی و اصطلاحی شیعه

«شیعه» در لغت به معنای یاران، پیروان، اتباع و اعوان آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ماده تشیع). در کتب لغت، اصل آن را از مشایعت به معنای مطاوعت و متابعت دانسته‌اند؛ بدین معنی که هرگاه فرد یا گروهی در موردی متابعت از فردی کند، شیعه او است. کلمه شیعه، در زبان عربی، مفرد بوده، ولی در

فارسی هرگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد، از آن، جمع اراده می‌شود و معمولاً وقتی مفرد اراده شود شیعی می‌گویند (مصاحب، ۱۳۵۶: ذیل واژه).

در قرآن کریم کلمه شیعه به همین مفهوم به کار گرفته شده است. مثلاً آنجا که می‌فرماید: «ان من شیعه لایراهم» (صافات/۸۳) یا «هذا من شیعه و هذا من عدوه» (قصص/۱۵). اما در مفهوم خاص آن، شیعه به پیروان و یاران علی (ع) گفته می‌شود که پس از پیامبر اکرم (ص) به امامت او روی آوردند؛ چرا که اعتقاد داشتند پیامبر (ص) در دوران حیات خویش به نصّ جلی یا خفی بر امامت او صحه گذارده و او را به جانشینی خود برگزیده است (نویختی، ۱۴۰۴: ۱۸؛ شهرستانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۳۰).

اصطلاح شیعه به سه معنا به کار رفته است: شیعه اعتقادی؛ شیعه در مقابل عثمانیه و نیز شیعه به معنای دوستی اهل بیت (ع) (جعفریان، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۹).

شیعه به معنای اعتقادی، نخستین بار در زمان رسول خدا (ص) به پیروان علی (ع) اطلاق شده است (نعمانی، بی تا: ۲۶۴). همچنین با توجه به معنای لغوی شیعه، به پیروان عثمان، عنوان شیعه عثمان (طبری، ۱۳۸۷: ج ۵، ۲۵۲) و به پیروان معاویه، عنوان شیعه معاویه (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۳۴۳) اطلاق شد. تا اینکه پس از جنگ صفین این اصطلاح برای شیعیان امام علی (ع) به کار رفت و پیروانش در سال شصت هجری طی نامه‌ای که به امام حسین (ع) نوشتند، رسماً خود را شیعه اعتقادی امام علی (ع) نامیدند (نک: یعقوبی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۲۲۸).

۱-۲ اصطلاح رافضی، امامیه و اثنی عشریه

«رفض» در لغت به معنای کنار گذاشتن و خوار کردن آمده است. رافضی به کسانی اطلاق می‌شود که به دلیل اعتقاد زید بن علی بن حسین (ع) به امامت مفضل، دست از یاری او کشیدند (اشعری، ۱۳۸۲: ۲۰۹). در روز قیام زید بن علی در کوفه در سال ۱۲۲ق. گروهی عقیده زید را درباره ابوبکر و عمر پرسیدند. زید از آنها به بزرگی یاد کرد. از این رو گروهی از مردم از او روی برداشتند. با وجود اعتقاد زید به فضیلت علی (ع) نسبت به دیگران و از جمله سه خلیفه قبل از ایشان، لیکن امامت مفضل بر افضل را جایز می‌دانند (شهرستانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۲۰۲).

کلیات ۳

در اصطلاح اهل سنت، هر شیعه‌ای، رافضی است؛ به این دلیل که پیروی از خلافت سه خلیفه اول را رها کرده (ابن منظور، ۱۴۰۸: ماده رفض) و به امام مفترضه الطاعه قائل شده است (ابن قدامه، بی تا: ج ۱۲، ۲۹). در مقابل کلمه رافضی، «ناصبی» قرار دارد و به کسی گفته می‌شود که با اهل بیت رسول خدا (ص) کینه و دشمنی ورزد؛ گرچه آن را آشکار نسازد (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۴۰۴). اصطلاح امامیه، به طور عام به تمام فرقه‌هایی گفته می‌شود که به امامت بلا فصل علی بن ابیطالب (ع) معتقد هستند، اما اصطلاح خاص امامیه، تنها بر شیعه اثنی عشری اطلاق می‌شود (مشکور، ۱۳۶۲: ۱۴۷).

۱-۳ اصول و مبانی اعتقادی و سیاسی شیعه

اصول و مبانی اعتقادی و سیاسی مذهب شیعه، متکی بر آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) است. این امر بیانگر آن است که اولاً، شیعه مولود طبیعی اسلام است و ثانیاً، ظهور این مذهب، دست‌کم از جنبه اعتقادی به عصر نبوت بازمی‌گردد نه به رویدادها و تحولات تاریخی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص). اصول و مبانی اعتقادی شیعه عبارت‌اند از: باور شیعه بر اینکه ولایت و امامت، تداوم نبوت است. همچنین باور به عصمت امام، علم امام، سبقت در اسلام، قرابت، وصایت و وراثت و نص و تنصیص امام.

اما در اندیشه سیاسی شیعه، حاکمیت منشاء الهی دارد و به قبول و نفی مردم بستگی ندارد. باین‌همه، شرط اساسی تحقق این حاکمیت، پذیرش مردم است (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۱۹۹). هرگاه مردم این حاکمیت را بپذیرند، حاکم از سوی خدا خواهد بود و ارتباط مردم با او نیز یک رابطه ولایی است (طباطبایی، بی تا: ج ۶، ۷۶). ویژگی دیگر آن است که ولایت معنوی ائمه اطهار (ع) مانند مرجعیت دینی آنان به نص الهی است. در ولایت معنوی، ولی به باطن اعمال انسان‌ها آگاه است و خیر و شر آنان را از خودشان بهتر می‌داند و بدین جهت از خودشان به آنان سزاوارتر است. بنابراین ولایت معنوی ائمه و مرجعیت دینی آنان لازم و ملزوم یکدیگرند (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۲۸).

همچنین از بعد نظری، شیعه امامیه از آغاز تاکنون، اعتقاد داشته که ولایت اجتماعی و سرپرستی جامعه حق امام معصوم (ع) است و مشروعیت هر حکومت و دولتی تنها با تفویض از طرف آنان امکان‌پذیر است. شیعه امامت را ادامه نبوت می‌داند، با این تفاوت که بر امام وحی نمی‌شود و او اختیاری در تشریع شرایع یا نسخ آن ندارد. تنها کتاب و سنت به امام سپرده شده است و اطاعت از او مانند اطاعت از پیامبر (ص)

مطلق است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۶۲۰). چنین امامی علاوه بر ولایت معنوی و مرجعیت دینی مردم، حاکمیت سیاسی آنان را نیز در اختیار دارد و امت نیز دستورهای او را عبادت می‌دانند. از این رو، قدرت سیاسی او از استحکام زیادی برخوردار است. شیعه، امامت را از اصول دین و در ردیف اعتقاد به توحید، نبوت و معاد می‌انگارد. امام به نصّ و گزینش الهی تعیین می‌شود و باید ویژگی‌های ذیل را داشته باشد (که البته شناسایی چنین ویژگی‌هایی جز در پرتو وحی الهی امکان‌پذیر نیست): معصوم باشد؛ دارای مجموعه علوم لدنی باشد، که هر امامی از امام قبل از خود به ارث می‌برد (بهائی، بی‌تا: ۱۷۲). امام (ع) براساس نیاز فطری جامعه از طرف خداوند انتخاب می‌شود. امام وصیّ پیامبر است. گفتار و کردار امام حجت است. امامت تا روز قیامت در نسل علی (ع) و فاطمه (س) باقی می‌ماند. هر امامی به هنگام رحلت، جانشین خود را تعیین می‌کند. امام، حجت خدا بر روی زمین است و هیچ‌گاه زمین، از حجت خدا خالی نمی‌ماند. امامان مخزن علم الهی و مفسّر وحی‌اند. بنابراین کلمات آنان کلام خدا و فرمان‌های آنان فرمان خداست. امامت میثاقی است بین خدا و انسان و شناسایی امام بر هر مؤمنی واجب است. بر این اساس هر که بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۲).

۱-۴ ظهور شیعه

۱-۴-۱ ظهور تاریخی تشیع

تلاش برخی نویسندگان غیرشیعی بر آن است که شیعه را نیز مانند سایر فرقه‌ها، فرقه‌ای نوظهور یا جنبشی سیاسی که در اثر تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی به وجود آمده، معرفی (رافعی، ۱۹۸۸: ۲۳۰) و به این وسیله آن را از پیکره اسلام جدا کنند. از این رو، نظریات مختلفی درباره پیدایش شیعه ابراز شده است. عده‌ای پیدایش شیعه را پس از واقعه سقیفه بنی ساعده دانسته و معتقدند که مخالفان انتخاب ابوبکر، به پیروی از علی (ع) در خانه حضرت فاطمه (س) گرد هم آمدند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۰۵) و بدین صورت هسته اولیه تشیع تشکیل شد. برخی دیگر بر این باورند که شیعه پس از به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) پدید آمد. معتقدان به این نظر، تشیع به معنای عام را که پس از کشته شدن عثمان، ظهور

کلیات ۵

و مردم را به دو دسته علوی و عثمانی (ابن حزم اندلسی، بی تا: ج ۲، ۷۸) تقسیم کرد، با شیعه به معنای خاص آن یکی دانسته‌اند و گفته‌اند بیشتر مسلمانان، آن حضرت را در جنگ‌های او بر ضد مخالفانش یاری کردند و آن حضرت نیز آنان را شیعه خود نامید، درحالی‌که همه آنان عقیده واحدی نداشتند (حسنی، ۱۴۱۰: ۱۱)؛ کسانی که امام علی (ع) را در جنگ جمل یاری کردند، شیعه علی نامیده شدند (امین، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۹). از این رو، برخی پیدایش شیعه را پس از جنگ جمل می‌دانند. برخی پیدایش تشیع را پس از صفین و به دنبال پیدایش خوارج دانسته‌اند (ابن الندیم، ۱۳۴۶: ۲۴۹؛ صدر، بی تا: ۵۸). این عده، تشیع را پدیدآمده در بازتاب افکار خوارج می‌دانند. اینکه در مقابل اندیشه خوارج در باب رهبری، فکر شیعی پدید آمد و از امامت منصوص علی (ع) دفاع نمود (حسنی، ۱۴۱۰: ۱۰). عده‌ای عقیده دارند شهادت امام حسین (ع)، شیعیان متفرق را متحد کرده، جنبش وسیعی به وجود آورد و آنان را از اهل سنت جدا کرد (همان: ۱۱). این گروه، پیدایش شیعه را با تأثیر شگرف شهادت امام حسین (ع) بر شیعیان اشتباه گرفته‌اند (جعفریان، ۱۳۷۵: ۲۶۱).

برخی نیز پیدایش تشیع را از بدعت‌های عبدالله بن سبا یهودی می‌دانند. البته بسیاری از محققان، داستان عبدالله بن سبا را جعلی و در شمار داستان‌های خرافی دانسته‌اند (کاشف الغطاء، ۱۴۰۲: ۴۰). گروه دیگری بر این باورند که تشیع ساخته ایرانیان است. اینان برای انتقام از عرب به دلیل فتح ایران سعی کردند مجوسیت را در قالب لباس اهل بیت و تشیع زنده کنند، از آن رو تشیع را به وجود آوردند (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۲). دسته‌ای دیگر، تشیع را پیامد سیاست سلاطین صفوی می‌دانند. بنا بر این نظر، درویشان صفوی در اوایل قرن دهم هجری به هوای سلطنت، عقاید غلوآمیز خود را در قالب تشیع به صورت یک مذهب اسلامی درآوردند (همان: ۱۳). نظر دیگر آن است که اساس مذهب تشیع، در قرآن و سنت، قطعی است (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۱۷) و تفکر شیعی در زمان پیامبر (ص) وجود داشته است (تامرعارف، بی تا: ۵۵) و در آن زمان جماعتی با این روش تعین و تمیز یافتند. با توجه به مباحث فوق، می‌توان گفت تشیع مولود طبیعی اسلام بوده است.

با وجود این اوصاف، رسول خدا (ص) اولین شخصی بود که بر دوستی علی (ع) تأکید کرد و پیروان او را شیعه نامید (جعفریان، ۱۳۷۵: ۱۵-۱۶). شیعه با الهام از اهل بیت (ع) در بعد اعتقادی و سیاسی، بیشتر از هر چیز بر کتاب و سنت

رسول خدا (ص) تأکید دارد (طبری، ۱۳۸۷: ج ۶، ۱۵). بدین ترتیب جایگاه تاریخی شیعه نیز به نخستین روزهای دعوت پیامبر اکرم (ص) برمی گردد، ولی توجه به جنبه‌های سیاسی شیعه، برخی محققان را از توجه به جنبه‌های معنوی و محتوای عقیدتی آن بازداشته بود (کاشف‌الغطاء، ۱۴۰۲: ۱۸).

۱-۴-۲ ظهور اعتقادی شیعه

گذشته از دیدگاه‌هایی که در ظهور تاریخی تشیع وجود دارد، آیات، روایات و وقایع تاریخی بر ظهور اعتقادی تشیع و اثبات اصل ولایت در عصر نبوت دلالت دارد.

- **مستندات قرآنی:** از مستندات قرآنی می‌توان به این موارد اشاره کرد:
آیه ولایت (مائده/۵۵)، آیه تبلیغ یا اکمال دین (مائده/۳)، آیه اولی الامر (نساء/۵۹)، آیه صادقین (توبه/۱۱۹)، آیه ذوی القربی (شوری/۲۳؛ اسراء/۲۶).
 - **مستندات روایی و تاریخی:** علاوه بر نصوص قرآنی، امامیه برای اثبات شایستگی علی (ع) برای مقام ولایت و جانشینی رسول خدا (ص)، به روایات و وقایعی که مبین مناقب و فضایل و نیز خصایص علی (ع) است، استناد کرده‌اند. مشهورترین این روایات و وقایع عبارت‌اند از: تربیت علی (ع) در خانه رسول خدا (ص)، سبقت در اسلام آوردن (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۲۵۸)، حدیث یوم‌الدار (سبقت در آشکارکردن اسلام) (طبری، ۱۳۸۷: ج ۲، ۳۲)، عقد اخوت پیش از هجرت و پس از هجرت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۴۶)، لیل‌المبیت (ابن هشام، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۲۱)، حدیث سدا‌البواب (مقریزی، ۱۴۰۱: ۱۱۳)، حدیث قدسی لافتی در غزوه احد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۰)، حدیث قدسی ضربه علی (ع) در غزوه خندق (واقعی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۹۸۰)، حدیث رایت در غزوه خیبر (بخاری، بی‌تا: ج ۴، ۱۲)، حدیث منزلت در غزوه تبوک (واقعی، ۱۴۰۵: ج ۳، ۹۸۹)، حدیث نجوی در غزوه طائف (ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ۲۹۶)، حدیث خاصف‌النعل در غزوه طائف (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۳۳)، حدیث نفس در اعلام سوره براءت (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۵، ۴۶) و حدیث ولایت (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ج ۳، ۴۶).
- شیعه با توجه به این روایات و اخبار، جانشینی علی (ع) را اثبات می‌کند و تداوم فرهنگ قرآن و سنت رسول خدا (ص) را تنها از طریق اهل بیت (ع) می‌داند.

۱-۵ سقیفه، سرآغاز اختلافات

ابتدا باید به این مطلب توجه داشت که ساختار جامعه عرب پیش از اسلام مبتنی بر نظام قبیله بود. شناخت نظام قبیله، تبیین بهتر حوادث صدر اسلام را فراهم می‌کند. از آن‌رو که باید ریشه بسیاری از حوادث مهم صدر اسلام را در تفکر و نظام قبیله‌ای جست‌وجو کرد؛ زیرا آن‌ها برخاسته از اندیشه‌های عرب مسلمانی بود که تحت تأثیر نظام قبیله و ضوابط حاکم بر آن بودند، چنان‌که پس از رحلت رسول خدا (ص)، احیای دوباره تفکر قبیله‌ای، زمینه‌ساز اصلی حادثه سقیفه شد. از ویژگی‌های عرب جاهلی، پیوند عشیره‌ای و عصبیت قبیله‌ای است (یعقوبی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۲۴۱). در سقیفه بنی‌ساعده، ضوابط حاکم بر نظام قبیله، دامن‌گیر مسلمانان شد و علی (ع) را از حق خود محروم کرد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۶۲۳).

در چنین شرایطی، بعثت رسول خدا (ص) با ماهیتی دینی و نه ماهیت عربی و قبیله‌ای، آغاز دگرگونی‌های اساسی در منطقه بود. به دنبال هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، گروه‌های مختلفی از سراسر شبه‌جزیره به مدینه آمدند. اینان که دارای ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی خاصی بودند و اسلام را بر طبق آن ویژگی‌ها، بینش‌ها، تمایلات و بنیادهای قبیله‌ای پذیرفته بودند، در سایه تعلیمات رسول خدا (ص) توانستند در کنار هم قرار گیرند و برای مدتی هماهنگ با آن حضرت، به پیشرفت اسلام کمک کنند. اما عواملی چون، کوشش برخی مهاجران برای حفظ ارتباط با کفار قریش (واقعی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۸۳)، مخالفت برخی از مهاجرین با فرمان‌های رسول خدا (ص) از جمله در ماجرای صلح حدیبیه (همان: ۶۰۳) باعث به‌هم‌خوردن این هماهنگی شد. فتح مکه و ورود عده‌ای از بزرگان قریش به مدینه، با توجه به زمینه اختلافاتی که میان مهاجرین و انصار وجود داشت، نگرانی انصار را نسبت به قریش شدت بخشید (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۵۰). این نگرانی‌ها، انصار را به این فکر وامی‌داشت که اگر قریش بر اوضاع مسلط شوند، انصار برای همیشه از قدرت کنار رفته، زحمات چندین‌ساله آنان نادیده گرفته شود. از این‌رو پس از رحلت رسول خدا (ص)، بلافاصله در سقیفه بنی‌ساعده جمع شدند تا تدبیری بیندیشند (ابن‌هشام، ۱۳۶۳: ج ۴، ۳۰۷).

از نظر تاریخی، اختلاف در میان مسلمانان همراه با ظهور دیدگاه‌های مختلف درباره رهبری جامعه اسلامی، پس از رحلت رسول خدا (ص) در سقیفه بنی‌ساعده

پدیدار شد. برخی اقدامات پیامبر (ص) در واپسین ایام حیات، نشان می‌دهد که رسول خدا (ص) به‌خوبی می‌دانست که رحلت او مسئله‌ی جانشینی را با بحران روبه‌رو خواهد کرد و ممکن است موازنه‌ی موجود در جامعه‌ی اسلامی را بر هم زند و میان سران مهاجر با هم یا مهاجر و انصار و یا بین قبایلی که غرق در تعصبات کور قبیله‌ای بودند، درگیری پدید آید و در نتیجه هر یک از بزرگان صحابه مدعی جانشینی آن حضرت شده و برای تصاحب آن وارد یک جدال سیاسی شوند و علی (ع) را از حق الهی خویش محروم کنند. نخست در آخرین روزهای زندگانی خویش با تشکیل سپاه اسامه‌بن‌زید، دستور داد تا سران مهاجر و انصار به مرزهای روم بروند (واقعی، ۱۴۰۵: ج ۳، ۱۱۷)، اما با مشاهده‌ی مخالفت سران مهاجر و انصار با فرماندهی اسامه و ناامیدی از حرکت سپاه اسامه (ابن‌هشام، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۵۰)، تدبیر دیگری اندیشید و قصد داشت در لحظات آخر نامه‌ای بنویسد و امت را از فتنه‌ها برهاند. از این‌رو فرمود: «قلمی بدهید که چیزی بنویسم تا پس از من گمراه نشوید» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۴۴). اما به‌دلیل مخالفت عمر و ایجاد جنجال میان صحابه، حضرت رسول (ص) موفق به نگارش نامه نشد و پس از آن، رسول خدا (ص) رحلت فرمود (بخاری، بی‌تا: ج ۸، ۱۶۱).

انصار با انتشار خبر رحلت رسول خدا (ص) در سقیفه بنی‌ساعده تجمع کردند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۲، ۳) تا سعدبن‌عباده، رئیس قبیله‌ی خزرج را به جانشینی رسول خدا (ص) منصوب کنند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۰۶). عمر با اطلاع از تجمع انصار، به همراه ابوبکر و ابوعبیده جراح در سقیفه حاضر شدند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۶۱۶). سعدبن‌عباده با بیان موقعیت انصار نزد رسول خدا (ص) و دفاع آنان از حضرت، انصار را برای تصدی خلافت سزاوارتر دانست. سخنان سعد مورد تأیید انصار قرار گرفت (طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۰۲). ابوبکر ضمن تمجید از مقام والای انصار، با تمسک به قرابت قریش با رسول خدا (ص)، مهاجرین را سزاوار جانشینی ایشان دانست (همان: ۲۰۵). انصار وقتی از تمسک به موقعیت والای خویش نزد رسول خدا (ص) نتیجه‌ای نگرفتند، گفتند: «امیری از ما و امیری از شما» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۸۲). ابوبکر در برابر اقدام انصار، با بیان اصل امامت قریشی، پیشنهاد انصار را رد کرد. در ادامه، با شعله‌ور شدن آتش تعصبات قبیله‌ای و کینه‌های دیرینه انصار، وحدت آنان از هم گسست. گرچه وعده مشورت با انصار در امور توسط ابوبکر، عملی نشد، اما موجب طرفداری عده‌ای از انصار از او شد. اقدام شتاب‌زده انصار، شرایط مناسبی برای ابوبکر به‌وجود آورد تا

خود را در معرض انتخاب قرار دهد. وی برای بیعت، دست خود را به سوی عمر و ابو عبیده دراز کرد، اما آنان از پذیرش خلافت امتناع و خود با ابوبکر بیعت کردند (همان، ج ۷: ۲). بدین ترتیب در سقیفه، مهاجرت، قریشی بودن و دوستی با پیامبر (ص) مورد استدلال قرار گرفت و سرانجام، آخرین وسیله پیروزی یعنی کهن سالی مورد تمسک واقع شد. یکی از انصار به نام بشیر بن سعد به عنوان اولین نفر بیعت کرد. از طرفی، اسید بن حضیر - رئیس قبیله اوس - به دلیل حسادت با سعد بن عبادۀ خزرجی با قریش هماهنگ شد (مفید، ۱۳۷۴: ۱۱۸) و از سوی دیگر، رقابت خزرجیان با اوسیان موجب شد تا آنان نیز با ابوبکر بیعت کنند (ابی الحدید، ۱۳۸۵: ج ۶، ۱۰). بدین ترتیب انصار برای همیشه از حکومت کنار زده شدند و نظر آنان در هیچ دوره‌ای برای دستگاه خلافت اهمیتی پیدا نکرد. انتخاب ابوبکر در سقیفه مورد حمایت قریش و قبیله بنی اسلم قرار گرفت و بدین رو، خلافت ابوبکر تثبیت شد، در حالی که عموم مهاجرین و بیشتر انصار شکی در جانشینی امام علی (ع) نداشتند (همان: ۲۳).

امام علی (ع) با دریافت خبر سقیفه، آیات نخستین سوره عنکبوت را مبنی بر فتنه بودن واقعه سقیفه قرائت کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۸، ۱۸۱). مخالفان از مهاجر و انصار به همراه امیر المؤمنین (ع) در خانه فاطمه زهرا (س) تجمع کردند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۲، ۴۴۶). در واکنش به این اقدام، مشاوران خلیفه به همراهی عمر بن خطاب، خانه آن حضرت را به آتش زدن تهدید کردند (یعقوبی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۱۲۶؛ ابن قتیبۀ دینوری، ۱۳۶۳: ۱۸). همچنین در ادامه مقابله خلیفه با مخالفان، امکانات مالی اهل بیت اعم از خمس، فدک، سهم ذوی القربی را از آنان گرفتند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۲، ۴۴۴؛ ابن قتیبۀ دینوری، ۱۳۶۳: ۱۳).

۱-۶ حضرت زهرا (س) و سقیفه

حضرت زهرا (س) نخستین فردی بود که به دفاع از امام علی (ع) برخاست و معتقد بود که امامت اهل بیت (ع) موجب اتحاد امت می شود. از این رو، در مدت کوتاه زندگانی پس از رحلت رسول خدا (ص) به تبیین اصول فکری، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی امامت پرداخت تا مسلمانان را گرد محور اهل بیت (ع) جمع کند. حضرت تأکید داشت که حاکمیت، حق کسانی است که دین حقانیت آنان را تأیید کرده است. اما چون از این امر که مسلمانان را به دور محور اهل بیت (ع) جمع کند، ناامید شد، موضع صریح و

آشکار خود را در برابر جریان سقیفه بنی ساعده در پیش گرفت. ابتدا مخالفان بیعت با ابوبکر در خانه او جمع شدند، سپس حضرت از انصار کمک خواست و شبانه همراه دو فرزندش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به خانه‌های انصار می‌رفت و کمک می‌خواست (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱۱، ۱۴)، چون از این اقدامات ناامید شد از آنان اعلام ناراضایتی کرد و درحالی‌که از آنان دل شکسته و ناراحت بود، وصیت کرد تا او را شبانه و مخفیانه دفن کنند (صدوق، ۱۳۶۱: ۳۵۶). حضرت زهرا (س) با خطبه‌ها و سخنان خود برای نخستین بار برخی اندیشه‌های فکری و سیاسی شیعه را مطرح کردند. ایشان در نخستین خطبه پس از سقیفه به دفاع از امام علی (ع) برخاست و بین افکاری که سقیفه را به وجود آورد و تفکر اهل‌بیت (ع) تمیز داد و با انحرافات ایجادشده در اصول سیاسی اسلام و جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) به‌تندی برخورد کرد. مباحث مطرح‌شده در این خطبه (ابن‌طیفور، بی‌تا: ۲۳) عبارت‌اند از: ۱- تحلیل فشرده و عمیق درباره توحید، علم الهی و هدف آفرینش ۲- هدف بعثت پیامبران، مقام والای پیامبر (ص)، نجات از تشتت و تفرقه به برکت وجود پیامبر (ص) و امامت اهل‌بیت (ع) پس از رحلت آن حضرت. ۳- تأکید بر ارتباط منطقی و ناگسستنی میان نبوت و امامت؛ در بخشی از خطبه، ضمن معرفی خویش و خدمات رسول خدا (ص) یادآور شد که ارتباط میان نبوت و امامت، ارتباطی منطقی، ناگسستی و عقلی است. در واقع حضرت با ذکر امامت اهل‌بیت (ع) پس از رسول خدا (ص) و هدایت‌های قرآن، آنان را سومین مرجع دینی و مایه پویایی مسلمانان و پایداری دین شمرد. ۴- اشاره به دوران جاهلیت و بدبختی‌هایی که در آن زمان دامن‌گیر مردم بود. همچنین اشاره به نقش پیامبر (ص) در نجات مردم از جاهلیت و هدایت آنان و نقش امیرمؤمنان (ع) در برداشتن موانع از سر راه پیامبر (ص) و فداکاری‌های او در جنگ با مشرکان و ویژگی‌های یک رهبر شایسته و لایق و ترفندهای اهل سقیفه برای محروم‌ساختن آن حضرت از خلافت (ابن‌طیفور، بی‌تا: ۲۴-۲۵). ۵- دفاع از فدک و پاسخ به غاصبان آن ۶- استمداد از انصار برای بازپس‌گیری حق به تاراج‌رفته علی (ع) (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۶، ۲۱۳). حضرت در این خطبه به‌خوبی نشان داد که شکل‌گیری جریان سقیفه مبتنی بر ارزش‌های جاهلی قبیله‌ای بود و ارتباطی با فرهنگ قرآن و سنت نداشت. در واقع مهم‌ترین تلاش آن حضرت، تبیین معیارهای دینی برای حکومت دینی بود تا مردم، حق را بشناسند (فتال نیشابوری، ۱۳۶۸: ۳۱).

۱-۷ امام علی (ع) و سقیفه

مواضع امام علی (ع) در مقابل جریان سقیفه نشان می‌دهد که ایشان اصول و ارزش‌های دینی را بر منافع شخصی برتری می‌داد و در نگاه ایشان، حفظ اساس اسلام، اولویت داشت. آنچه علی (ع) را به مدارا با نظام حاکم وا داشت، مسئله گسترش ارتداد و خطر روزافزون مدعیان دروغین نبوت در جزیره العرب بود. از این رو، با حاکمیت جدید، به مخالفت آشکار مستمر پرداخت و پس از مدتی، با آنان بیعت کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۶، ۷۳).

۱-۸ تشیع در دوره خلفای سه‌گانه

۱-۸-۱ امام علی (ع) و شیخین (۱۱-۲۴ق)

صبر و مدارای علی (ع) با خلفای اول و دوم موجب وحدت سیاسی مسلمانان شد و آنان با خوش‌بینی به دفاع از اسلام برخاستند و درصدد گسترش دعوت اسلامی در مناطق مختلف برآمدند. هنگامی که دستگاه خلافت به‌منظور جذب اهل‌بیت (ع) در جریان حاکم یا دست‌کم دست‌برداشتن از فعالیت سیاسی، آنان را از امکانات مالی محروم کرد، امام علی (ع) تلاش کرد با سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی خود، نیاز مالی بنی‌هاشم را برآورده کند تا تسلیم جریان حاکم نشوند (بهبودی، ۱۳۶۸: ۳۸). ویژگی‌های علی (ع) نشان می‌دهد که احساس تعهد ایشان به اسلام از همه ملاحظات شخصی و حتی گروهی‌شان مهم‌تر و بالاتر شمرده می‌شد.

هر چند، آن حضرت از ابوبکر و عمر کناره گرفت، ولی از تصحیح اشتباهات حکومت، انتقاد از سیاست‌های نادرست و نابجا و تأیید و تأکید بر تدابیر درست دریغ نورزید. مشکلات سیاسی هیچ‌گاه بازدارنده امام (ع) در امور اجتماعی و اجرای احکام الهی نبود و از هیچ‌گونه کمکی به مردم فروگذار نمی‌کرد. بر همین اساس، بارها مشکلات قضایی و نظامی حکومت را از میان برداشت (نک: نهج‌البلاغه، خطبه ۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۳۴۲). آنچه در بحث انتقاد امام (ع) از خلفا اهمیت دارد، درجه واقع‌بینی و شیوه انتقاد آن حضرت است. انتقادهای ایشان، نه متعصبانه و احساساتی، بلکه منطقی و تحلیلی است. امام علی (ع)، خلیفه اول را در دو محور، آشکارا مورد انتقاد قرار می‌داد. در یک محور، تمام خلافت او را از نظر مبانی، سست و مخدوش می‌نمایاند و می‌فرماید: «پسر ابوقحافه به‌خوبی می‌دانست که من از او شایسته‌ترم و